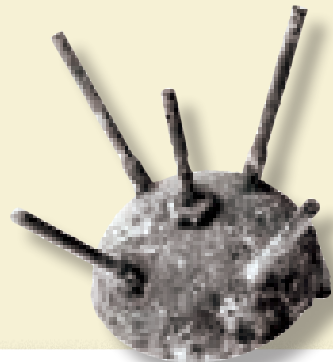


✕ ارتش بی روحیه

«بسیاری از سربازان عراقی، دلیلی برای جنگیدن به خاطر رژیم می‌کنند، دلیلی که کمترین علاقه‌ای نسبت به آن حس نمی‌کنند، ندارند.» عراقی‌ها درگیر جنگی ناکهانی شده بودند که مخالفت با آن از همان ابتدا زیاد بود. ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۱ لس آنجلس تایمز نوشته بود که دلایل صدام که به مرور زمان تغییر کرده بودند، دیگر مردم و سربازان را قانع نمی‌کند و حالا بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که دلیل جنگ، تنها به «نفرت [صدام] حسین از رژیم ایران» بازمی‌گردد.



✕ دغدغه‌ی مهم

درویدیان پس از توضیحاتش درباره‌ی گسترش روایت‌هایی مانند روی مین رفتن جوانان ایرانی می‌نویسد: «گسترش چنین باورهایی درباره‌ی جنگ، به معنای نادیده گرفتن عقل و تدبیر، همچنین محاسبات و بررسی در طراحی عملیات است که گاهی بررسی‌های اطلاعاتی برای شناسایی و طرح‌ریزی بیش از شش ماه به طول می‌انجامد. گشودن معابر مین نیز بخشی از همین اقدامات بود که از قبل انجام می‌شد و علائمی نیز برای عبور از میدان مین گذاشته می‌شد تا

رزمندگان پس از عبور از میدان مین، اهداف تعیین شده را تصرف نمایند.» او در ادامه اشاره به روایتی از سردار غلامعلی رشید دارد: «در عملیات دارخوین

⊕ غلامعلی رشید از فرماندهان ارشد سپاه در سال‌های جنگ.

نیروهای تیپ ۱۴ امام حسین برای عملیات علیه مواضع لشکر ۳ زرهی عراق، هفته‌ها روی میادین مین دشمن شناسایی انجام دادند. شهید اکبر تیموری مسئول این اقدام بود. وی با تخصصی که در تخریب و خنثی‌سازی مین داشت، پس از شناسایی میادین مین، برای گشودن معبر برای پیشروی نیروها، مین‌های دشمن را خنثی و سپس در جای خود قرار می‌داد تا دشمن متوجه این موضوع نشود. وی برای این کار در شب‌های مهتابی آن‌قدر به مواضع و سنگرهای عراقی‌ها نزدیک می‌شد که صدای آن‌ها را به راحتی می‌شنید. پس از اتمام عملیات دو تن از کشته‌های دشمن را شناسایی کرد و می‌گفت من زیر نور ماه آن‌ها را دیده بودم.»

یادداشت دروردیان نیز با یک دغدغه‌ی داخلی نوشته شده است و تاکید می‌کند: «با این توضیح چرا چنین تصویری از نحوه‌ی جنگ و گشودن میادین مین، به عنوان یک رویه‌ی عمومی و جاری در عملیات‌ها، در تصور عمومی جامعه ایجاد می‌شود و در عین حال هیچ‌گونه اقدامی برای توضیح درباره‌ی وقوع احتمالی آن در شرایط خاص و یا تکذیب آن به عنوان رویه‌ی جاری و عمومی در جنگ، صورت نمی‌گیرد؟ اگر این‌گونه موارد که در صورت وقوع بسیار نادر و در شرایط غیرمنتظره و خاص و بدون مجوز و تدبیر فرماندهی بوده، به عنوان رویه‌ی جاری در جنگ تصور شود و با گذشت یک نسل و در زمان حیات فرماندهان جنگ این‌گونه بیان می‌شود و هیچ توضیحی درباره‌ی آن صورت نگیرد، آیا بیم آن نمی‌رود که وقایع جنگ بیشتر از آن‌چه تصور می‌شود، در معرض تحریف قرار گیرد؟» اما سوال دیگر این‌جاست که در صحنه‌ی بین‌الملل چه کاری انجام گرفته است؟

✕ چند روایت دیگر

جنبه‌ی دیگری که در روایت‌های عراقی، در تحلیل پیروزی‌های ایران در این مقطع وجود دارد، انداختن تقصیرها و ضعف‌ها به دوش شخصیت صدام است. در کتاب «جنگ ایران و عراق از دیدگاه فرماندهان صدام» که حاصل مصاحبه‌ی کوین وودز و همکارانش با چند ژنرال ارتش عراق در سال‌های جنگ است، این موضوع بارها روایت شده است.

نکته‌ی دیگری که در این روایت‌ها به چشم می‌خورد توصیف فضای پس از شکست خرمشهر است که در آن عکس‌العمل خشن و عصبی صدام به این شکست روایت شده: از جمله روایت‌هایی از اعدام‌ها پس از شکست خرمشهر. حمدانی دادگاهی صحرایی را در تیرماه ۶۱ روایت کرده که در بصره تشکیل شد. در این دادگاه وزیر دفاع، معاون وزیر دفاع، عزت ابراهیم‌الدوری، معاون سیاسی صدام، و چند نفر از نظامیان عالی‌رتبه که رابطه‌ی نزدیکی با صدام داشتند حضور پیدا کردند و چند فرمانده شکست‌خورده در عملیات آزادسازی خرمشهر محاکمه و اعدام شدند؛ «جلسه‌ی محاکمه هم مملو از داد و فریاد و فحش و ناسزا بود. شکست خرمشهر ضربه‌ی سیاسی بزرگی برای عراقی‌ها بود؛ زیرا بازپس‌گیری خرمشهر به معنای آن بود که امکان سقوط بصره نیز وجود دارد.» ماجرای اعدام‌ها و خشم صدام در منابع دیگری نیز روایت شده است.

در این منابع اشاراتی وجود دارد که با واقعیت‌های تاریخ نیز همخوانی ندارد. حمدانی در اهمیت خرمشهر می‌گوید: «باید بدانیم که خرمشهر برای عراقی‌ها دارای یک تأثیر معنوی بود. آبادان و خرمشهر عراقی بودند و در همین اواخر توسط انگلستان به ایران داده شده

«جنگ علیه ایران، فرزند صدام حسین بود و ممکن است حزب بعث، در حالی که همچنان قدرت را در دستان خود دارد، به دنبال خلاص شدن از دست او [صدام] باشد.»

لس آنجلس تایمز، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۱

بیان مین